



عبدالباری "عارض"

سه دهه جنگ و نتایج مطلوب

بالاخره افتاب صلح و دموکراسی بر آسمان کشور جنگ زده ما در حال طلوع است.

قرار است بعد از سی و پنج سال جنگ ، ویرانی و قربانیهای بیشماری، افغانان به نتایج مطلوب که همانا استقلال، حاکمیت ملی، آزادی و دموکراسی در آئینه ارزشهای اسلامی و کلتور افغانی است دست می یابد. شکی نیست که در بیش از سه دهه افغانان ظالمانه در معرض امتحان نهایت مشکل برای حفاظت از استقلال و حاکمیت ملی خویش برای دومین بار قرار گرفتند. ملت افغان نیز در راه آرمانهای ملی و حفاظت از غرور افغانی و تمامیت ارضی به پیشانی باز و همت والا اولاد خویش را نذرانه کردند ولی حقیقت موجودیت قاطع خویش را در منطقه در وجود همسایگان حریص منحیث یک واقعیت عینی تاریخ ثابت نمود.

از مطلب دور نه رویم مرحله دیگری از مذاکرات قطر در ایجاد دفتر برای طالبان آغاز گردیده است. این مذاکرات ممثل خواسته های یک جانبه نیست بلکه از یکطرف طالبان متوجه رسالت زمانی خویش گردیده فداکارانه در مورد سیستم عالی و متکامل دولتی بادر نظر داشت اشتراک عمو م مردم افغانستان در حاکمیت از طریق تمثیل دموکراسی در وجود سنن اصیل ملی و ارزشهای اسلامی راههای عملی و ممکنه راجستجو مینماید. و ازطرف دیگر امریکا با درنظر داشت حساسیتهای منطقی و روحیه ازادمنیشی افغانان از مواضع افراطی عقب نشینی خواهد کرد. با آنکه قابل درک است که یکعده ماجراجویانیکه در طول سه دهه منافع خویش را در ادامه جنگ جستجو نموده اند در تقابل با این روند قرار خواهند گرفت

اما اراده و خواسته اکثریت توده ها و قشر منور و روشنفکر جامعه در راه برآوردن آرمانهای ملی و تحفظ استقلال و حاکمیت ملی دست بدست هم داده به زمان تاریکها نقطه پایان خواهد گذاشت.

روحیه و اصل فوق غرب را به آرامی خاطر به ادامه مناسبات فعال سیاسی و کمکهای اقتصادی با افغانستان جهت احیای مجدد مواضع تخریب شده وادار خواهد کرد. این موضوع یک تصور خیالی نیست بلکه آئینه تفاهمات قطر و موضعگیری غرب و تقاضای عینی جامعه و زمان است. یقین است که قاطعیت جوانب درگیر جنگ ، کشورهای طامع را مجبور خواهد ساخت که به جبر زمان تن دردهند . و وارثان اصیل افغانستان عزیز آرمانهای شهدای بی شمار این مرز وبوم راتحقق خواهد بخشید. این روند در سطح یک ارمان و تخیل نیست اما برآورده شدن ان انقدر ساده هم نیست که در تحریر چند سطر خلاصه شود . پروسه از خود گذرریها که نو آغاز انست باید ادامه یابد. برخورد مسئولانه با قضایا جاری ، تفاله های را جبرا تحویل زباله دانی تاریخ خواهند ساخت .

هرآنکه در برابر این سیر جبر تاریخ قرار گیرد به یقین که جز شکست و شرمساری چیز دیگری را کمائی نخواهد کرد. انتظار توطئه ها و ماجراجوییها و جود خواهد داشت اما آگاهان با درک و تحلیل منطقی از شرایط عینی کنونی با این کاروان خواهند پیوست ، و روشنفکران یک بار دیگر در یک آزمایش منطقی زمانی قرار خواهند گرفتند . بهتر انست تا آنان در یک مجموعه از تحول پسندان و عینیت گرایان که تلاش برای ظهور و تبارز ان به شدت آغاز گردیده بدون در نظرداشت تعصبات ایده لوژی و تفاوتهای جزئی عقاید ، راه را برای آینده صلح امیز و تمدن باز نماید.

بار دیگر قابل یاد اوری میدانم که این پروسه یک روند خود بخودی نیست بلکه سعی و تلاش همه جانبه نیروهای ترقیخواه را ایجاب مینماید . و نیز دموکراسی را در مراحل ابتدائی با تمام کیف وکان ان تصور نباید کرد اما راهی است که نهایت ان به انتخابات ازاد و تمثیل حاکمیت مردمی منتهی خواهد شد.این روند همه آرمانها و خواسته ها رابه یک بارگی تمثیل نخواهد کرد ولی سنگ تهاداب است برای ابادانی تعمیر تمام عیار و سر به فلک شده میتواند.

شما آگاه هستید که مطبوعات از دسترسی به دفتر طالبان در قطر و جریان مذاکرات فعلا منع قرار داده شده اند.و این به خاطر انست که ازیک طرف روند اشتراک توده های ملیونی و روشنفکران در اتحاد باهم در حاکمیت نهائی گردد و ازجانب دیگر از تبلیغات نامناست و پرخاشگرانه قبل از حصول نتایج مطلوب جلوگیری بعمل آمده باشد.

یقین است که با تبارز عده ای از مصلحین و تحول پسندان ، تمویل کننده گان جنگ در تضاد با روند صلح ، اشخاص و افراد را بیاد انتقاد خواهد گرفت اما بر شما است که با حوصله مندی تمام روند صلح را دفاع و به ارمانهای منطقی ملی راه را باز نمائید . هیچ عمل و روند در ابتدا سوچه و منزه از تمامی کمی ها و کاستیها نمی باشد ولی اساسی برای اهداف نهائی شده میتواند. از مغشوش ساختن اذهان عامه نسبت به افراد و اشخاص جلوگیری باید کرد. هر نوع تعصب و فرد گرایی ، جامعه را یک بار دیگر به سیر نابودی رهنمائی خواهد کرد. تحمل پذیری اساس جامعه نوین آینده خواهد شد.

نمی شود که به نزول احمدشاه ابدالی ، میرویس ، سلطان محمود غزنوی ، میرمسجدی و کاتب هزاره از اسمان منتظر ماند بلکه همین ماهستیم که انانرا باید در جامعه کنونی ساخت. نمی شود که تنها به بالیدن به گذشتگان اکتفا نمایم بلکه برماست که آینده سازان را تبارز دهیم . من باشما موافق هستم که عمق اختلافات قومی ، سمتی و لسانی داخلی و دست درازیهای دور و نزدیک ، به اسانیها نخواهد گذاشت که ملت به دور یک شخص و یا یک جمعیت متشکل شود اما این یک سفره آماده شده نیست که به دور آن نشسته و فورا از مزایای آن بهرمنند شویم بلکه فداکاری ، گذشت از خود ستانی ، سعی و تلاش همه جانبه اساس تحرک یک روند گذار از جنگ به صلح را تشکیل باید داد. جملات زیبا ، ستندرد، و تکراری نمیتواند چاره ساز باشد.

مسئله قابل درک آنست که انحصار و تک گرایی در حاکمیت به هیچ وجه نمیتواند ملت افغان را به وحدت فراخواند و کشور را در شاهراه صلح و ترقی قرار دهد. اگر ما سه طرف را در افغانستان در نظرگیریم که یکی ان طالبان دومی ان حاکمیت کنونی و سومی انرا روشنفکران و تحصیل یافته گان وطن دوست تشکیل میدهد ، و مجرمین جنگی را از ان تفریق نمائیم بازهم هیچ کدام ازین جوانب به تنهای نخواهند توانست ارمغان آورنده صلح باشد . چنانچه همین اکنون می بینیم که حاکمیت کنونی در طول ده سال در حمایت بیش از یکصد هزار قوای ناتو و کمک بیش از یک تریلیون دالر امریکا نتوانست استقرار یابد .

فلهذا همدیگر پذیری یگانه راه حل معضلات کشوری تلقی میگردد. باردیگر یاد اوری میگردد که نیروهای جنگ طلب و استفاده جو به تمام امکانات در اخلاص وحدت ملی سعی خواهد کرد اما درینجا مسئولیت نیروهای روشن و وطن دوست است تا در خنثی نمودن توطئه های خصمانه مفسدین و ثروت اندوزان نیروی ملی را به کار اندازد. همچنان بر متحدین غربی است که بستر عدم مداخله کشورهای همسایه را

فراهم نمایند. عدم مداخله همسایگان به معنی عدم دوستی و همسایگی خوب نیست بلکه مداخلات خصمانه باید پایان یابد .

در انصورت ملت افغان از مرض بزرگی (فساد) که یک دهه ستون کشوری را چو موریانه خورده است برای همیشه رهایی یافته غرب نیز که ازین ناحیه به ستوه آمده نفس راحتی خواهد کشید. زیرا آنان شاهد اند که در ادوار طالبان و حکومت دموکراتیک هیچگاهی چنین فساد وجود نداشته نمونه های از استفاده جوئیها و فساد آنان به نظر نمی رسد .

شناخت فرصت نهایت مهم انست با انکه قشر منور جامه چی در دیار غربت چی در مسکن همیشه خواستار استقلال ،حاکمیت ملی، صلح و دموکراسی بودند ولی زمینه ان فراهم نبود تا صدای آنان شنیده شود اما امروز شرایط در تغیر است یاس و ناامیدی مارا به قهقرا خواهد کشانید . اکنون همان مقطع زمانی است که باید جنبید و در راه صلح و امنیت قدم برداشت. بیائید تمام امکانات خویش را چی در سطح قلم چی در سطح اقتصاد و چی در سطح عمل باشد برای تحرک بخشیدن مذاکرات و تقاضات که به تدریج فراگیر میگردد بکار اندازیم . شروع این کار ذهنیت دادن به جامعه شده میتواند و به این ترتیب رسالت ملی را بجاه نموده افتخارات وطن را دسته جمعی دوباره احیا نمائیم و با کاروان تمدن جهانی همگام شویم.